

نظریه علم دینی آیت‌الله مصباح یزدی تشریح شد

ششمین کارگاه دانش‌افزایی اعضای هیئت علمی با عنوان «نظریه علم دینی آیت‌الله مصباح یزدی» در تالار معرفت دفتر قم پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار شد.



ششمین کارگاه دانش‌افزایی اعضای هیئت علمی با عنوان «نظریه علم دینی آیت‌الله مصباح یزدی» در تالار معرفت دفتر قم پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری مهر، در این جلسه حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر علی مصباح به ارائه مقاله «نگاهی گذرا به علم، دین، و علم دینی از دیدگاه آیت‌الله مصباح» برای شرکت‌کنندگان پرداخت. خلاصه مقاله ایشان به شرح زیر است:

۱. مقدمه

۱.۱. آنچه به نام علم در محافل علمی و دانشگاه‌ها آموزش داده و مطالعه می‌شود، برای خود نسبتی با دین تعریف کرده است که ناشی از مبانی سکولار، بلکه نگاه ضددینی پایه‌گذاران آن است. لذا بحث از علم دینی در صورتی مفید است که این معضل را حل کند.

۱.۲. لازم است جایگاه مبحث علم دینی، رابطه علم و دین، و اسلامی‌سازی علوم در هندسه مباحث اصلی روشن شود و با توجه به روابطی که با دیگر عناصر موجود در این طرح عظیم دارند برای حل مسائل آن‌ها اقدام شود.

۱.۳. یکی از مسائلی که باید به آن پرداخت، آسیب‌شناسی علوم موجود، چه از نظر مطابقت توصیف و تبیین‌های آنها با واقعیت، و چه از نظر مطابقت دستورالعمل‌های آنها با ارزش‌های اسلامی است.

۱.۴. بحث از علم دینی یک بحث زبانی و قراردادی است. علم، دین، و علم دینی مشترک لفظی‌اند. هیچکدام از معانی مختلف آنها را نمی‌توان غلط یا باطل دانست، زیرا این واژه‌ها عناوینی اعتباری‌اند، که به تناسب اهدافی خاص وضع شده‌اند، و به همین دلیل برهان‌پذیر نیستند. البته می‌توان تناسب تعاریف با اهداف مقصود از آنها را نقد کرد، یا اگر بر مبانی معرفت‌شناختی یا هستی‌شناختی خاصی مبتنی هستند، آن مبانی را به نقد کشید.

۱.۵. قضاوتی کلی درباره رابطه علم و دین، قضاوتی خام و غیرعلمی است، بلکه باید از یک سو، معانی مختلف علم از یکدیگر تفکیک گردد، و از سوی دیگر، تعاریف مختلف دین و اجزاء گوناگون آن به‌طور مجزا در نظر گرفته شده، رابطه هر یک از گزینه‌های ممکن با یکدیگر سنجیده شود. از این‌رو، بررسی رایج‌ترین معانی علم، دین، و علم دینی و تعیین معنای مختار از اهمیت بالایی برخوردار است. در این چکیده تنها به معنای مختار در نظریه حضرت آیت‌الله مصباح اشاره خواهیم کرد.

۲. علم

۲.۱. معنای منتخب: علم مجموعه مسائلی تشکیل‌شده از موضوع و محمول است که موضوعات آن‌ها زیرمجموعه یک موضوع واحدند، و پاسخی برای اثبات یا نفی می‌طلبند. هر تلاشی در این راه، تلاشی از سنخ آن علم به شمار می‌رود، و منبع یا روش یا هدف یا چگونگی پاسخ‌نقشی در ورود یا خروج از علم ندارد.

۲.۲. بنابر این تعریف، اولاً، تک‌گزاره‌ها علم تلقی نمی‌شوند؛ ثانیاً رشته‌های علمی به علوم توصیفی-تبیینی و علوم ارزشی-دستوری تقسیم می‌شوند؛ و ثالثاً روش علم شامل روش‌های عقلی، تجربی، شهودی، و نقلی می‌شود.

۳. دین

۳.۱. معنای منتخب (با محوریت هدف): دین مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، و احکام عملی است که راه رسیدن به سعادت و کمال را به انسان نشان می‌دهد. اجزاء این مجموعه به‌سان ریشه، ساقه، و شاخسار بر یکدیگر مترتب می‌شوند، و در یک جریان یک‌سویه، هر بخشی اجزاء فرعی‌تر را تغذیه می‌کند. آن دسته از باورها، ارزش‌ها و احکام عملی که لزوماً به چنین هدفی کمک نمی‌کنند، از قلمرو دین (به این اصطلاح) خارج‌اند.

۳.۲. گرچه ادیان گوناگونی تحت این تعریف می‌گنجند، لکن آنچه برای ما مهم است، دین الهی حق، یعنی اسلام ناب است.

۳.۳. «روش» مقوم تعریف دین به معنای منتخب نیست، و مثلاً نمی‌توان تمایز علم، دین، و فلسفه را به روش تحقیق آنها دانست. برای اثبات و شناخت هر یک از سه بخش دین باید از روش یا روش‌های متناسب با همان موضوعات استفاده کرد. با عنایت به تعدد منابع معرفت‌های دینی می‌توان گفت: محتوای عقل، کتاب و سنت در ارتباط با آنچه انسان را به سمت کمال و سعادت جهت می‌دهد «دین» نام دارد.

۳.۴. با توجه به محوریت «هدف» در تعریف دین، می‌توان گفت: سایر معارف و مطالبی که در منابع اختصاصی دین اسلام (کتاب و سنت) بیان شده است، یا مقدمه‌هایی برای رسیدن به این هدف اصلی‌اند و یا به دیگر نقش‌ها و مسئولیت‌های اولیای دین مربوط می‌شوند.

۳.۵. فرضیه‌ی دین حداکثری، به این معنا که همه‌ی مطالب دانستنی درباره‌ی هستی، چیستی، و چرایی ممکنات، و همه‌ی ارزش‌های عام و خاص را باید بتوان از میان الفاظ و عبارات کتاب و سنت استخراج نمود، امری موهوم است و با تعالیم و مدعای دین مبین اسلام سازگاری ندارد.

۳.۶. دین به عنوان نقشه‌ی راه دست یافتن به کمال نهایی و برنامه‌ی زندگی سعادت‌مندانه، اصالتاً تعهدی برای تبیین حقایق خارجی و عینی ندارد، مگر بیان حقایقی که برای سعادت انسان ضروری باشد؛ که به دو دسته قابل تقسیم‌اند: الف) حقایق نظری که سعادت یا شقاوت انسان دائر مدار قبول یا رد آنهاست، و ب) دستورالعمل‌هایی که عمل بر طبق آنها لازمه‌ی سعادت است. دین کامل باید از این منظر جامعیت داشته باشد، و کوتاهی در بیان این دسته از مسائل نقضی برای دین به حساب می‌آید. اما آنچه خارج از این چارچوب به طور یقینی در منابع معتبر دینی مورد اشاره قرار گیرد، هرچند معتبر است، ولی اموری جنبی است که نه بیان آنها به کمال دین می‌افزاید، و نه در صورتی که در منابع دینی بیان نمی‌شد، نقضی برای دین به‌شمار می‌آمد.

۴. علم دینی

۴.۱. باید تعاریفی که از واژه‌های «علم» و «دین» بیان شد را مد نظر قرار داد. همچنین باید ملاک‌ها و مناسبت‌هایی که عرفاً موجب می‌شوند تا وصف دینی به علم نسبت داده شود بررسی شوند.

۴.۱.۱. امکان نسبت‌دادن علم به دین بر اساس برخی تعریف‌ها، با درنظر گرفتن برخی جهات اتصاف، از نظر عرفی بی‌معنا و در نتیجه غیرممکن است. مثلاً علم به معنای شناخت حصولی تجربی، به دین به معنای مجموعه باورها و ارزش‌های معطوف به سعادت بشر، متصف نمی‌شود زیرا اعتقاد یا عدم اعتقاد به خدا و دیگر آموزه‌های دینی تأثیری در کشف‌کردن رابطه‌ی میان دو پدیده محسوس از راه تجربه ندارد، همان‌گونه که دیگر گرایش‌ها و نگرش‌های پژوهش‌گر ربطی به علم نخواهد داشت.

۴.۱.۲. علمی قابل اتصاف به دینی و غیردینی است که وجه مشترکی با دین داشته باشد. در این صورت است که اگر در جنبه‌های مشترکش با دین سازگار باشد، دینی خواهد بود و گرنه، غیردینی. علمی که در موضوع، هدف، مبانی، روش، و ... هیچ وجه مشترکی با دین نداشته باشد، قابل اتصاف به دینی (یا غیردینی) بودن نیست.

۴.۲. علم (بنا بر تعریف منتخب)، به توصیفی و توصیه‌ای تقسیم می‌شود که هریک رابطه‌ای متفاوت با دین (به تعریف منتخب) پیدا می‌کنند.

۴.۳. علم توصیفی وظیفه‌ی شناخت پدیده‌ها و روابط میان آنها را بر عهده دارد، ولی دین (جز در موارد خاص) در این زمینه وظیفه‌ای ندارد. در مقابل، دین (بنا بر تعریف منتخب) رسالت تبیین رابطه‌ی پدیده‌ها با کمال و مصالح انسانی، و ارزش‌گذاری رفتارهای اختیاری بر اساس همین رابطه را برعهده دارد؛ امری که از محدوده‌ی موضوع، هدف، و قلمرو علوم توصیفی فراتر است. بنابراین عمده‌ی علوم توصیفی وجه مشترکی با دین ندارند، و به همین دلیل، اصالتاً به دینی و غیردینی تقسیم نمی‌شوند. البته این مسأله دو استثنا دارد:

۱) همان‌گونه که گذشت، یکی از وظایف دین، بیان واقعیت‌ها و روابطی است که برای سعادت بشر ضروری باشد. این دسته از مسائل، هم مشمول تعریف دین‌اند و هم مشمول تعریف علم، و در حوزه‌ی مشترک میان علم و دین واقع می‌شوند. چنین علومی اگر در این دسته مسائلشان با دیگر آموزه‌های دینی سازگار باشند، مصداق علم دینی‌اند، و گرنه غیردینی خواهند بود.

۲) در منابع منقول دینی (قرآن و سنت) گاه به صورت استطرادی و به مناسبت (مثلاً به عنوان شاهدهی بر حکمت یا قدرت الهی)، به بعضی از واقعیات غیر مرتبط با هدف اصلی دین اشاره شده است، که در این موارد، دین وارد حوزه‌ی علوم توصیفی می‌شود. در چنین مواردی، اگر یافته‌های علوم مربوط با دیدگاه‌های یقینی ارائه شده در منابع منقول معتبر دینی سازگار باشد، آن علم دینی است، و گرنه غیردینی. علم دینی در این فرض، علمی است که داده‌های آن مخالف نص قرآن یا روایات قطعی نباشد. اما اگر معرفتی که از منابع نقلی دینی به‌دست آمده از جهت سند یا دلالت ظنی باشد، قادر نخواهد بود درباره‌ی ظن حاصل از عقل یا تجربه داوری کند؛ همان‌گونه که عقل و تجربه در مسائلی که از محدوده‌ی آنها خارج باشد قضاوتی ندارند و نمی‌توانند هیچ‌یک از نظریه‌های متخاصم را تأیید یا رد کنند.

۴.۴. اما علوم توصیه‌ای (دستوری یا هنجاری) به ارزش‌گذاری و صدور دستورالعمل برای حفظ یا کسب مصالح انسان می‌پردازند؛ و در مقابل، دین نیز رسالت ارزش‌گذاری و تبیین رابطه‌ی پدیده‌ها با کمال و مصالح واقعی انسانی را برعهده دارد. از این رو، میان این علوم با دین وجوه مشترک زیادی وجود دارد و در نتیجه امکان اصطکاک و تعارض یا توافق زیاد است. لذا غالب علوم دستوری را می‌توان به دینی و غیردینی تقسیم کرد. بر

این اساس، علومی توصیه‌ای که در مبانی، ارزش‌ها، روش‌ها، یا دستورالعمل‌هایشان با یکی از مؤلفه‌های دین (باورها، ارزش‌ها، و احکام) دارای مرز مشترک باشند، می‌توانند دینی یا غیردینی باشند؛ بدین معنا که در صورت مطابقت یا سازگاری با دین، علومی دینی خواهند بود، و گرنه غیردینی‌اند.

۴.۵. دقت در نکاتی که به آن‌ها اشاره شد، خطای مبنايي سکولاریسم را روشن می‌کند. قلمرو دین مطابق این اصطلاح، همه عرصه‌های زندگی را دربرمی‌گیرد، ولی این شمول به معنای آن است که دین رابطه آنها با سعادت و شقاوت انسان - یا به عبارت دیگر تأثیر آنها در هدایت انسان را مد نظر قرار می‌دهد، نه این‌که روابط صرفاً مادی و دنیوی میان پدیده‌ها و رفتارها با نتایج این‌جهانی آنها را بررسی و به‌عنوان دین درباره آنها داوری کند. این درحالی است که از نظر سکولارها، تنها حوزه‌ای که به دین مربوط می‌شود، حوزه رابطه شخصی با خداوند است (البته به فرض آن که وجود او را بپذیرند).

لازم به ذکر است پس از پایان ارائه مقاله توسط حجت‌الاسلام والمسلمین مصباح، شرکت‌کنندگان به ارائه نقدها و نظرات خویش پرداختند. گزارش تکمیلی از نظرات و سؤالات مطرح شده، متعاقباً منتشر خواهد شد.